

مبانی و بنیان‌های فقهی - حقوقی مقابله به مثل در واقعه شهادت سردار سلیمانی

محمد صحرایی اردکانی

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان

سید مسعود فخری

دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان

محمدحسن زاهدی میل سفید^۱

دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان

چکیده

در تاریخ ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸، پهپادهای آمریکایی با حمله به کاروان حامل سردار قاسم سلیمانی و همراهان وی در کشور عراق و شهید کردن ایشان به دستور مستقیم دونالد ترامپ، اوج خباثت خود را نشان دادند. سپاه پاسداران نیز در تلافی این اقدام، در تاریخ ۱۸ دی ماه ۱۳۹۸ یک حمله موشکی وسیع به پایگاه عین‌الاسد در عراق انجام داد. اما مطابق آنچه که مقامات ایرانی و در راس آنان رهبر معظم انقلاب اعلام کردند، انتقام سخت همچنان در راه است. آنچه در این مقاله مورد بحث قرار گرفته است، مبانی فقهی-حقوقی قاعده مقابله به مثل در واقعه شهادت سردار سلیمانی است. این قاعده می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل سیاسی روزمره بین‌المللی ایران باشد و دستگاه دیپلماسی و نیروهای نظامی ایران با استناد به این قاعده می‌توانند به حل مسائل در عرصه بین‌المللی امیدوار باشند. چنانچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است، اقدامات ایران تاکنون (یعنی حمله موشکی به پایگاه آمریکایی عین‌الاسد) فقط مقابله به مثل در مقابل قدرت‌نمایی آمریکا بوده است. آمران و مجریان شهادت سردار سلیمانی در موعد مقتضی باید منتظر انتقام ایران باشند. اما این انتقام به نحوی است که مطابق قوانین فقهی قاعده مقابله به مثل، ویژگی‌های خاصی دارد.

واژگان کلیدی: قاعده مقابله به مثل، شهادت سردار سلیمانی، پایگاه عین‌الاسد، آمریکا، انتقام سخت

^۱ نویسنده مسئول: hajhasanbahar75@gmail.com

مقدمه

دفاع مشروع، حقی است که در صورت تعدی و تجاوز، امکان دفاع را برای شخصی که در معرض تهاجم قرار گرفته فراهم می‌آورد. در کنار حق دفاع، حق مقابله به مثل نیز مطرح شده است؛ هرچند ممکن است، مقابله به مثل، از مصادیق و جلوه‌های دفاع مشروع واقع شود، اما به نظر می‌رسد این قاعده، در عرض دفاع مشروع قرار می‌گیرد و از جهاتی، مکمل آن است. بر اساس مفاد قاعده مقابله به مثل، شخص یا اشخاصی که مورد تعدی قرار گرفته‌اند، این حق را می‌یابند که با متعدی به صورت همانند، مقابله کنند. اهمیت این قاعده عمدتاً به دلیل وسعت قلمرو آن است که علاوه بر جریان یافتن در برخی مباحث مرتبط با ضمان و حقوق خصوصی، در مسائل کیفری و قصاص و همچنین در بعد بین‌المللی نیز می‌تواند جاری شود و همچنین به دلیل فلسفه وضع این قاعده می‌باشد که نشان می‌دهد این قاعده در عرض دفاع مشروع و بعضاً به عنوان مکمل دفاع مشروع، جزء احکام اولیه به شمار می‌رود. در حقوق خصوصی، قاعده مقابله به مثل، در تقاص متجلی است و با وجود شرایطی؛ مانند امتناع مدیون از پرداخت طلب دائن و عدم دسترسی به حاکم و سایر شرایط، قاعده مقابله به مثل، با عنوان تقاص جریان پیدا می‌کند. در حقوق جزا نیز این قاعده با توجه به آیات مربوط به قصاص، در قصاص نفس و عضو جریان دارد.

اصل مقابله به مثل، قاعده‌ای قرآنی و بین‌المللی است که از فطرت و طبیعت درون انسان سرچشمه می‌گیرد و عموم محققان بر جواز جریان طبیعی آن صحنه می‌گذارد و مهمترین کارکرد و نقش آن، جلوگیری از تجاوز و اعمال خشونت بیشتر و تکرار تعدیات ناشایست از جانب یک فرد یا گروه از بشر علیه سایر انسانهاست و به تعبیر گویاتر باعث حیات و زندگانی مادی و معنوی نوع بشر می‌باشد.

قاعده مقابله به مثل، قاعده‌ای مهم است که نسبت به بخش عمده‌ای از نظام حقوقی ما نقش مبنایی و ریشه‌ای دارد و در بسیاری از قوانین حقوقی داخلی یا بین‌المللی، خود را نشان می‌دهد. بسیاری از آیات و روایات، به روشنی به آن دلالت دارند و بعضی موارد بدان استدلال و فقها بسیاری از فتاوی خود را از آن استنباط کرده‌اند.

اگرچه قاعده مقابله به مثل با دادن حق قصاص، روحیه انتقام در انسان را تا حدی برآورده کرده و آن را کنترل می‌کند؛ ولی نقش روانی و باز دارنده نیز داشته؛ که براساس آن، سبب منع تجاوز افراد و دولت‌ها به افراد و دولت‌های دیگر میشود. اگر حق مقابله به مثل برای افراد و دولت‌های مورد تجاوز، محفوظ باشد و مردم دنیا به آن اعتقاد داشته باشند، کمتر فرد یا دولتی به خود، اجازه تجاوز به دیگران را می‌دهد و نگرانی از مقابله به مثل، او را به تأمل بیشتر وامی‌دارد تا بی‌جا برای خود و دیگران دردسر نیافریند.

هدف از این مقاله، بررسی مبانی فقهی-حقوقی قاعده مقابله به مثل -به عنوان یکی از مستحکم‌ترین قواعد عقلی و قرآنی- در فرایندهای دیپلماسی و نظامی کشور، علی‌الخصوص در جریان شهادت سپهبد قاسم سلیمانی و هیات همراه ایشان است. این مهم به علت بن‌بست روی داده در حقوق بین‌الملل در این زمینه، و نیز لزوم بر حذر داشتن دشمنان از تجاوزات آتی بسیار ضروری می‌باشد.

مبانی فقهی و حقوقی قاعده انتقام

تبیین قاعده و اثبات حجیت آن

مقابله به مثل را معمولاً با شکل انتقام‌گیری آن در نظر می‌گیرند، ولی قرآن کریم با ظرافت نوع مثبت آن را مطرح می‌کند و واجب می‌داند. مثلاً در آیه: «وَإِذَا حُيْتُمْ بِتَجِيئِهِ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا» (نساء، ۸۶) پاسخ یک عمل پسندیده، نیکوتر یا حداقل مانند آن خواسته می‌شود و حتی پاداش خدا بر عمل نیک را ده برابر می‌شمرد: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» (انعام، ۱۶۰) و در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که در تفسیر آیه: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (الرحمن، ۶۰) فرمودند:

این آیه-آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟ هم درباره مؤمن و هم در مورد کافر و نیز برای نیکوکار و گنهکار جاری است و پاداش نیکی این نیست که همانند آن معمول گردد، بلکه باید بیشتر باشد و گرنه فضیلت با شروع کننده است (نه جبران کننده) (حویزی، ۱۳۸۳ق، ۵، ص ۱۹۸). بنابراین، مقابله به مثل در معنای منفی آن به شکل انتقام و در معنای مثبت آن به شکل برگرداندن کار نیک می‌باشد.

مطابق آیات، ماهیت این دو قسم مقابله به مثل با یکدیگر کاملاً متفاوت‌اند. مقابله به مثل در مقابل بدی یک حق برای شخص مورد تعدی قرار گرفته است که این حق، قابل اسقاط و عفو می‌باشد؛ چنانکه در آیه معاقبه (نحل، ۱۲۶) با «إِنْ شَرِطِيه مِي رَسَانِدْ كِه اَصْل اِنْتِقَامْ وَ مَقَابِلَه بَه مِثْل، لَازِم وَ ضَرُورِي نِيَسْت وَ سِپَس دَر جَمْلَه دُوم آيَه بَه صَبْر تَوْصِيَه مِي كِنْد: «وَكَيْنَ صَبْرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِّلصَّابِرِينَ» یا در آیه جزای سیئه (شوری، ۴۰)، پس از تجویز جزای به مثل، به عفو توصیه می‌کند: «فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ».

سروش محلاتی (۱۳۹۸) چنین می‌گوید که براساس آیات قرآن، در برخورد سخت با دشمن به اصول مختلفی می‌توان استناد کرد که از مهم‌ترین آنها این دو اصل است:

(الف) اصل «دفاع» در برابر دشمن

(ب) اصل «تنبیه» و مجازات دشمن

بر اساس اصل اول، فرد یا جامعه حق دارد در برابر ظلم و تجاوز از خود دفاع کند و با دفاع، مانع تحقق تجاوز و یا مانع ادامه آن گردد. این اصل مبنای عقلایی داشته و مورد تایید شرع قرار گرفته است. استناد به این اصل فقط در موارد «تعدی» که در شُرْف و وقوع است و یا واقع شده است مجاز است، از این رو به اتکای این اصل نمی‌توان دشمنی را که به تعدی خاتمه داده، مورد تعقیب و کیفر قرار داد. آیه «فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ» (حجرات، ۹) ناظر به این اصل است. این اصل در حقیقت مبنای مشروعیت جنگ را تبیین می‌کند.

اما براساس اصل دوم، متجاوز حتی اگر به تعدی خاتمه داده باشد، باز هم استحقاق مجازات دارد. این اصل نیز هرچند عقلایی و شرعی است ولی با اصل اول تفاوت‌هایی دارد:

اولاً: اصل اول متضمن «تکلیف» و الزام‌آور است یعنی هیچ کس حق ندارد تسلیم ظلم و تجاوز شده و تعدی را بپذیرد ولی اصل دوم صرفاً «حق» است و تکلیفی برای فرد یا جامعه در مجازات کردن ایجاد نمی‌کند.

ثانیاً: اصل اول، اصل حاکم است و اصل دیگری بر آن تقدم پیدا نمی‌کند. از این رو، اخلاق و شرع «دفاع» برای دفع یا رفع تجاوز را در همه موارد بارزش و مجاز می‌دانند. ولی اصل دوم، محکوم اصل دیگری است و فراتر از مجازات و انتقام، اصل عفو و اغماض می‌باشد. یعنی در مواردی هم که مجازات مشروع است ولی «بهترین گزینه» نیست (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۲۰).

شرایط مقابله

مقابله به مثل قابل طرح در حقوق خصوصی، به معنای دقیق کلمه در تقاص متجلی می‌باشد. در مسئولیت مدنی نیز گرچه به دلالت التزامی نوعی حق مقابله به مثل برای زیان‌دیده وجود دارد؛ ولی چون حکم به ضمان و خطاب اولیه متوجه زیان‌رساننده است، برخلاف مقابله به مثل که در آن خطاب به زیان‌دیده و سخن از حق وی برای مقابله می‌باشد، از محل بحث خارج است؛ ضمن اینکه در دعوی مسئولیت مدنی، زیان‌دیده نمی‌تواند عالمانه و عامدانه شبیه رفتار زیان‌رساننده را -اعم از اتلاف یا تسیب- مرتکب گردد.

در تقاص بنا بر نظر مشهور، نیازی به اذن حاکم نیست؛ ولی این شرط مهم وجود دارد که پیشتر دعوا نزد قاضی و حاکم طرح نشده باشد (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۷، ص ۴۵۳). از شرایط دیگری که برای صحت و جواز تقاص ذکر شده است اینکه مدیون در

مقابل طلبکار، عالم به دینش باشد و در پرداختش تأخیر کرده، طلبکار، مطالبه طلبش را نموده باشد و مال از مستثنیات دین نباشد (خویی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۲۷) و همانگونه که تقاص از عین جایز دانسته شده است، از منافع نیز محکوم به جواز می‌باشد؛ بنابراین طلبکار می‌تواند خانه یا مرکب مدیون را اجاره دهد و اجرت آن را بابت طلب خود بردارد (همان). آنچه برمی‌آید، آن است که تاکنون شرایط بیان شده برای مقابله محدود به شرایط زندگی روزمره در چارچوب جامعه‌ای اسلامی بوده است و تاکنون شرایط مقابله برای زندگی در جامعه جهانی تدوین نشده است. آنچه تاکنون از مقابله به مثل معلوم شده است آن است که در مقابله به مثل باید تعداد، کیفیت و شکل رعایت گردد و نیز به گونه‌ای اجرا شود که روح مقابله به مثل برآورده شود. در این زمینه بحث فراوان است که در این مختصر مقال نمی‌گمجد.

گستره مقابله (نیک و بد) (مثبت و منفی)

مقابله به مثل، پیوسته حدّ و مرز رفتاری را برای ما ترسیم می‌کند؛ اما در همه موارد، وضع یکسانی ندارد؛ بلکه بسته به موارد مختلف آن، متفاوت خواهد بود که دست‌کم به یک تفاوت اساسی آن می‌پردازیم. مقابله به مثل بر دو نوع تقسیم می‌شود که ما آن دو را با دو عنوان مقابله به مثل با گرایش مثبت و مقابله به مثل با گرایش منفی، نام‌گذاری کردیم. منظور از مقابله به مثل با گرایش مثبت، مقابله به مثل در موارد لذت‌بخش است که انسان‌ها، منهای عوارض و عوامل خارجی، نسبت به آن اقبال دارند و جالب و جاذب و مطلوب مردم است. منظور از مقابله به مثل با گرایش منفی، مقابله به مثل در موارد رنج‌آور است که مردم، منهای عوارض و عوامل خارجی، از آن گریزانند. قرآن، در حالی که در هر دو زمینه مثبت و منفی به شکلی مقابله به مثل را طرح می‌کند، برای مقابله به مثل با گرایش مثبت و مقابله به مثل با گرایش منفی، دو وضع کاملاً متفاوت، به تصویر می‌کشد. به این معنا که به مقابله به مثل با گرایش مثبت، پیوسته به عنوان حداقل و وظیفه فرمان داده است؛ یعنی کمتر از آن را جایز و شایسته نمی‌داند. برعکس آن، مقابله به مثل با گرایش منفی را پیوسته، به عنوان حداکثر حق انسان مطرح کرده که هیچگاه نباید از آن تجاوز کند و به کار دیگری، از جهت کمی و کیفی، بدتر از آن دست بزند.

در ارتباط با مقابله به مثل با گرایش مثبت، می‌توانیم آیاتی را مورد توجه قرار دهیم مثل آیه:

«وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها؛ (نساء، ۸۶) هنگامی که درودی به شما گفتند شما بهتر از آن را به آنان بگویید و دست کم، همان درود را به خودش برگردانید».

می‌بینیم مقابله به مثل به عنوان کمترین وظیفه واجب، مطرح شده و به چیزی بیش از آن و بهتر از آن نیز توصیه می‌شود. چنان که در آیه دیگر نیز می‌گوید:

«مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا؛ (انعام، ۱۶۰) هرکس کار نیکی انجام دهد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت».

در آیات متعدّد آمده:

«مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا؛ (نمل، ۸۹) کسانی که [در قیامت] کار نیکو آورند پاداش بهتر از آن یابند و در آن روز از هول و هراس ایمن باشند».

که نسبت به چیزی بیش از مقابله به مثل تأکید نموده‌اند.

درباره مقابله به مثل با گرایش منفی اگر آیات قرآن را بررسی کنیم به تعبیری برمی‌خوریم کاملاً متفاوت با تعبیر آیات مربوط به مقابله به مثل با گرایش مثبت که گویای تفاوت میان این دو نوع مقابله به مثل خواهد بود.

جهت بیان این تفاوت، به نمونه‌هایی از آیات، استشهد می‌کنیم. آیاتی چون آیه:

«وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ؛ (نحل، ۱۲۶) اگر خواستید انتقام بگیرید، به همان مقداری که به شما تجاوز شده اکتفا کنید».

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌گوید: «و معنای آیه اینکه می‌شود که اگر خواستید کفار را بخاطر اینکه شما را عقاب کرده‌اند عقاب کنید رعایت انصاف را بکنید، و آن گونه که آنها شما را عقاب کرده‌اند عقابشان کنید نه بیشتر» (طباطبایی، ۱۳۹۶، ص ۵۳۸)

تعبیر بسیار جالب، دقیق و گویای حداکثر حق است. اولاً؛ با «إِنْ» شرطیه می‌رساند که اصل انتقام و مقابله به مثل لازم نیست. از این رو در جمله دوم آیه می‌گوید:

«وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ؛ (نحل، ۱۲۶) هر گاه صبر کنید [و انتقام نگیرید] این برای صبر کنندگان بهتر است. ثانیاً؛ اگر خواستید اعمال حق کنید حد نهایی آن مقابله به مثل است که نباید از آن تجاوز کنید».

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه نیز می‌گوید: «و معنای جمله «وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ» این است که اگر بر تلخی عقاب کفار بسازید و در مقام تلافی بر نیائید برای شما بهتر است، چون اینکه صبر شما در حقیقت ایثار رضای خدا و اجر و ثواب او بر رضای خودتان و تشفی قلب خودتان است، در نتیجه عمل شما خالص برای وجه کریم خدا خواهد بود، علاوه بر اینکه، گذشت، کار جوانمردان است، و آثار جمیلی در پی دارد» (طباطبایی، ۱۳۹۶، ص ۵۳۸). آیه

«فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ؛ (بقره، ۱۹۴) هر کس بر شما تعدی کرد، همان‌گونه که به شما تعدی کرده به او تعدی کنید». و آیه

«وَمَنْ جَاءَ بِالسِّيئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ؛ (انعام، ۱۶۰) هر کس کار بدی انجام دهد جز مثل آن [نه بیشتر از آن] مجازات نشود و بر آن ستمی نرود».

در این آیه در عین تأکید بر مقابله به مثل در جمله «فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا»، مجدداً با تعبیر «وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» تأکید شده که از آن حد تجاوز نکنند. آیه

«وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ؛ (شوری، ۴۰) جزای بدی مانند آن، بدی است هر که درگذرد و اصلاح کند پاداش او بر خداست و خداوند ستم کاران را دوست نمی‌دارد».

این آیه، پس از ذکر حداکثر حق شخص مورد تجاوز، در مجازات متجاوز، در نهایت توصیه می‌کند که اگر از حق خود بگذرد و متجاوز را عفو کند، پاداش او بر خدا خواهد بود. در انتهای این آیه به صراحت آن کس را که از مقابله به مثل تجاوز کند ستم کار دانسته است.

حکم تکلیفی مقابله (وجوب یا جواز یا استحباب)

برخی فقها در ذیل بحث مربوط به حق و حکم، قصاص را حقی معرفی کرده‌اند که امکان اسقاط، نقل و انتقال در آن وجود دارد (دزفولی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۳۵۳؛ امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۷). و البته دلایل دیگری نیز دارد که در این مقال نمی‌گنجد. در نتیجه باید گفت اولاً قاعده مقابله به مثل و مصادیق آن از جمله قصاص حق است نه حکم، لذا ویژگی‌های حق از جمله قابلیت اسقاط و انتقال را دارد. ثانیاً از مجموعه ادله قرآنی و روایی استنباط می‌شود که با وجود حق مقابله به مثل برای مجنی‌علیه و اولیای دم، توصیه‌های فراوانی درباره عفو جانی شده و لذا عفو و گذشت اولی است.

همچنین ناگفته پیداست که قاعده مقابله به مثل از نوع وضعی نیست، چرا که هیچ یک از خصوصیات احکام وضعی را دارا نمی‌باشد. چرا که اولاً به مکلفان تعلق گرفته است؛ ثانیاً این تعلق بطور مستقیم به مکلفان بوده است و نه فعل و ارکان فعل آنان. به عبارت دیگر بر فرد واجب است که در صورت تعدی، اعتدا نماید (البته در این مورد، در فصل بعدی بیشتر صحبت خواهد شد). ثالثاً در دسته احکام تکلیفی، جزو احکام واجب است و بطور صریح در قرآن کریم با عبارت «بر شماست که ...»

از آن یاد شده است. رابعاً ترک این فعل مذمت قرآن را در پی داشته است. بنابراین، با چهار دلیل، این قاعده جزو احکام تکلیفی طبقه‌بندی می‌شود.

از سوی دیگر، نگاه قرآن به حق یا وظیفه بودن مقابله به مثل از دو زاویه است: اول نگاهی که آن را وظیفه می‌داند و آیاتی چون: «وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ» (شوری، ۳۹) که در مقام مدح، انتقام‌گیری ستم‌دیده را مطرح می‌کند. دوم نگاهی که ظاهر آن، حق دانستن مقابله به مثل برای ستم‌دیده است و آن را وظیفه نمی‌شمرد. مثلاً در آیه: «وَلَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ» (شوری، ۴۱) که انتقام گرفتن مظلوم را بی‌اشکال می‌شمرد و یا آیه: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» (اسراء، ۳۳) که انتقام‌گیری اولیای دم را مجاز می‌شمرد. با توجه به این دو نگاه، به نظر می‌رسد که برای جمع میان آیات باید گفت که مقابله به مثل در ناحیه فردی، حقی اختیاری برای ستم‌دیده است، ولی در مواردی که جنبه عمومی دارد و دفاع از دین و جامعه تلقی می‌شود، وظیفه است.

مصلحت در گذشت یا انتقام

سوالی که پیش از پرداختن به بحث اصلی مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان حق مقابله به مثل را از ستم‌دیده -ولو با مصلحت اندیشی برای جامعه- سلب نمود؟ البته در اسلام مواردی از سلب حق مقابله به مثل وجود دارد که از آن جمله است: عدم قصاص پدری که فرزند خود را بکشد (نجفی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۰) که ناظر به مصلحت بزرگتری است؛ اما این در شرایطی است که خوف تلف جانی سایر فرزندان (اخاف اکبر) وجود داشته باشد. بنابراین، در زمینه گذشت یا انتقام باید به شرایط بعدی نیز توجه نمود. به نظر می‌رسد که در شرایط بین‌المللی نیز باید با نگاه به اصل منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت، این شرایط را نیز مدنظر داشت.

شهادت سردار سلیمانی

در زمینه علت به شهادت رساندن سردار قاسمی و انگیزه تروریست‌ها در این مورد، مباحث بسیار زیادی را می‌توان مطرح نمود. بطور مثال، رستمی (۱۳۹۹) خصوصیات اخلاقی و عملکردی بین‌المللی سردار قاسم سلیمانی را براساس گفتگو با تعدادی از هم‌زمان و شخصیت‌های جبهه مقاومت به این صورت بیان کرده است:

- متعلق به همه خطوط و نیروهای مقاومت
- چهره بین‌المللی مقاومت
- قوی‌ترین و سرشناس‌ترین فرمانده ضدتروریسم
- استکبارستیزی (ایستادگی در برابر آمریکا)
- پر کردن دست فلسطینی‌ها برای مقاومت
- نقش برجسته و ممتاز در تقویت و حفظ حزب ا...
- مجاهدات فداکارانه به همراه برادران مجاهد از کشورهای منطقه
- متعلق به همه خطوط و نیروهای مقاومت
- روابط قوی و متین با کلیه نیروهای مقاومت در منطقه (شیعه و سنی نظامی و غیر نظامی)
- ارتباط ویژه و مستقیم با مؤسسات مردم نهاد
- هماهنگ‌کننده میان نیروهای مقاومت (ایجاد وحدت)
- ایجاد وحدت بین تمامی گروه‌های سیاسی و غیرسیاسی در منطقه

- حضور در کنار مردم منطقه بدون هیچ چشم‌داشتی
- سمبل ایثار و مقاومت جهان اسلام و محور مقاومت
- وقف عمر برای عزت مسلمین
- مدافع حرم اهل بیت

که همانگونه که قابل مشاهده است، در عرصه بین‌المللی بسیاری از این موارد در مواجهه مستقیم با جبهه خصم صهیونیستی - آمریکایی قرار دارند. از دیدگاه استکبار، راهی برای کنار آمدن با این فرمانده جبهه مقاومت و نیز کاستن از اثرات وی در منطقه وجود ندارد. بنابراین، تنها راه ممکن، حذف فیزیکی وی خواهد بود.

صبحگاه جمعه ۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۸ سردار قاسم سلیمانی در حمله پهپاد آمریکایی‌ها در فرودگاه بغداد به شهادت رسید. در این حمله همراه با سلیمانی، ابومهدی المهندس، فرمانده حزب الله عراق و قائم مقام بسیج مردمی عراق (الحشد الشعبی) و شمار دیگری از رزمندگان عراقی به شهادت رسیدند. این حمله به دستور مستقیم رییس جمهوری ایالات متحده صورت گرفت.^۲ رئیس‌جمهور ایالات متحده، دونالد ترامپ بلافاصله در یک سخنرانی بیان کرد که شخصاً دستور ترور سردار سپهبد شهید قاسم سلیمانی را صادر کرده است و این تصمیم با هدف جلوگیری از وقوع جنگ اتخاذ شد^۳؛ و بنابراین حمله‌ای پیش‌دستانه بوده است!

البته شورای حقوق بشر در موضوع «قتل‌های فراقضایی»، شخصی به نام آگنس کالامارد^۴ را به عنوان گزارشگر ویژه تعیین نمود که در ساعاتی پس از ترور سردار سلیمانی در توثیقی اعلام کرد که این واقعه غیرقانونی و نقض حقوق بین‌الملل بشر است. زیرا خارج از وضعیت مخاصمه فعال افتاده و استفاده از پهپادها و دیگر ابزارها برای قتل هدفمند هرگز قانونی نبوده است (کالامارد، ۲۰۲۰).

در جریان شهادت سردار سلیمانی و همراهان ایشان از جمله ابومهدی المهندس، آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به عنوان یک مجتهد، انتقام سخت را مطرح نمودند و تاکنون به ازای ترور سردار، یک پادگان آمریکایی و تعداد زیادی سرباز از بین رفتند.

پیشینه تحقیقات

در زمینه وقایع روی داده پس از ترور شهید والامقام سپهبد سلیمانی، تحقیقات اندکی صورت گرفته است. رضائیان (۱۳۹۹) براساس توصیفات شخصیت‌های کشوری و لشکری به ویژگی‌های خاص آن سردار پرداخته که در ۸ رده «ایمان به خدا»، «اخلاص»، «ساده‌زیستی»، «ولایت‌مداری»، «مبارزه با استکبار»، «دفاع از مظلومان»، «فراجناحی بودن» و «محبوبیت جهانی» دست یافته است. رستمی (۱۳۹۹) به بررسی خصوصیات حکمرانی امنیتی در اندیشه سپهبد قاسم سلیمانی پرداخته است و خصوصیات فردی آن شهید را بر مبنای بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی و نیز خصوصیات اخلاقی و عملکردی سپهبد قاسم سلیمانی را در سه بخش فردی، ملی و بین‌المللی به تصویر کشیده است که در بخش‌های بعدی همین مقاله به وجه بین‌المللی بیشتر پرداخته خواهد شد. رشیدی و مشهدی (۱۳۹۹) به مهم‌ترین راهکارهای حقوقی جمهوری اسلامی ایران در واکنش به ترور سردار قاسم سلیمانی پرداختند. آنان این مسئله را از دیدگاه‌های دفاع مشروع و اقدام تلافی‌جویانه، اقدام متقابل، شکایت در دیوان کیفری بین‌المللی، طرح در شورای حقوق بشر، طرح در دیوان بین‌المللی دادگستری، مورد بررسی قرار دادند و بیان کردند که از میان راهکارهای مورد بررسی، شکایت در دیوان بین‌المللی دادگستری مناسب‌تر به نظر می‌رسد. فخری و همکاران (۱۳۹۹) نیز به اقدامات ایران در مقابله با شهادت سردار سلیمانی با تمرکز بر

^۲ خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا): پنتاگون: ترور سلیمانی به دستور ترامپ انجام شد؛ کد خبر: ۸۳۶۱۸۲۷۰

^۳ خبرگزاری تسنیم؛ سخنان ترامپ در نشست خبری پس از ترور سردار سلیمانی (تاریخ خبر: ۱۳ دی ۱۳۹۸): <https://tn.ai/2173869>

^۴ Agnes Callamard

قاعده انتقام پرداخته و چنین نتیجه گرفتند که در قضیه شهادت سردار سلیمانی و انتقام ایران از آمریکا، علیرغم آنکه یک مرحله از انتقام ایران محقق شده است اما شرایط مقابله به مثل از حیث مماثلت برآورده نشده است. به عبارت دیگر، آمریکا کاملاً به هدف خود رسیده است اما ایران هنوز به هدف خود نرسیده است و بنابراین آمریکا باید منتظر اقدامات بعدی ایران باشد.

همچنین عمده بررسی‌های صورت گرفته در زمینه اقدامات حقوقی ایران، بر مظلوم واقع شدن ایران و سپهبد شهید در این واقعه و غیرقانونی بودن حمله آمریکا مطابق با کنوانسیون‌های بین‌المللی متمرکز است. از جمله آنکه رشیدی و مشهدی (۱۳۹۹) طرح دعوا در اکثر مجامع بین‌المللی را به علت تفاسیر مختلف از قوانین بین‌المللی بی‌فایده دانسته‌اند. شلیسر نیز در پایگاه دیپلماسی ایرانی^۵ بیان داشته که این حمله (حمله به سردار سلیمانی) نمی‌تواند آستانه حمله مسلحانه موضوع ماده ۵۱ منشور ملل متحد را برآورده کند. منتظران نیز در مقاله‌ای که در وبسایت مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری^۶ منتشر کرده، پیامدهای حقوقی اقدام آمریکا را مورد بررسی قرار داده و بر غیرقانونی بودن آن تأکید کرده است.

بحث و بررسی

آنچه ممکن است در ذهن متبادر شود آن است که با حمله به پایگاه عین‌الاسد در تاریخ ۱۸ دی ماه ۱۳۹۸، انتقام عمل سردار سلیمانی گرفته شده است. در اینجا لازم است که میان دو واژه «انتقام» و «مقابله به مثل» تمایز قائل شویم. این واژگان هرچند در بسیاری از مواقع با یکدیگر هم‌معنی هستند، اما تفاوت‌های ظریفی دارند.

با نگاه به این آیات و دیگر آیات و نیز مراجعه به سنت می‌بینیم که کیفر پیش از آنکه جنبه انتقام‌گیری داشته باشد، به عنوان ضرورتی اجتماعی و وسیله سلامت جامعه است. مثلاً در آیه «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره، ۱۷۹) قصاص یعنی مقابله به مثل با جانی، برای جامعه حیات بخش معرفی می‌شود (طباطبائی، ۱۳۹۶، ص ۴۳۴-۴۳۸). به طریق اولی، این رویه در موارد بین‌المللی نیز می‌تواند جاری گردد. پس انتقام شاید هدفی نداشته باشد، اما «مقابله به مثل» دارای هدفی است که باید تأمین گردد. برای رسیدن به این اهداف نیز باید شرایطی برقرار باشند.

اولین نکته‌ای که باید به آن اشاره شود، آن است که مطابق گفته امیر عبداللہیان در ۵ مرداد ۱۳۹۹ که «حملات موشکی به عین‌الاسد تنها انتقام ماشین سردار سلیمانی بود»^۷. شهید کردن سردار سلیمانی، علاوه بر تمام مسائلی که در بخش‌های بعدی به آن پرداخته خواهد شد، نمایش قدرتی بود که از سوی مقام رئیس‌جمهور ایالات متحده و پنتاگون برای عقب راندن جبهه مقاومت و ارسال پیام غیرمستقیم به مسئولان ایرانی اجرا شد. بنابراین، مطابق قاعده مقابله به مثل، حمله موشکی ایران به پایگاه عین‌الاسد در عراق نیز باید به عنوان قدرت‌نمایی ایران در برابر قدرت‌نمایی آمریکا (ایالات متحده) ارزیابی شود. در این حمله، تمامی نکات و ریزه‌کاری‌های قاعده مقابله به مثل رعایت شده بود. نظیر اخطار به پایگاه‌های آمریکایی برای عدم صدمه به سربازان بی‌گناه، دقیق بودن دقت و وسعت حمله برای در امان بودن غیرنظامیان، انجام حمله در وقت غیر اداری و ... یعنی در حمله به پایگاه عین‌الاسد، تنها انتقام تجهیزاتی گرفته شد.

نکته بعدی، بحث مربوط به مماثلت مقابله ایران با تهاجم و ترور آمریکایی‌ها می‌باشد. در جریان حمله به خودروی شهید سلیمانی و ابومهدی المهندس، آمریکا در یک لحظه به چند هدف رسید. اولاً ایران و جریان مقاومت منطقه را از یک راهبر

^۵ پایگاه دیپلماسی ایرانی: چرا در هر حالتی اقدام آمریکا محکوم است؟ تحلیل جامع ترور شهید قاسم سلیمانی از منظر حقوق بین‌الملل (تاریخ دسترسی: ۶ بهمن ۱۳۹۹): کد خبر: ۱۹۸۸۶۷۴

^۶ مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری: ترور سردار شهید سلیمانی و همراهانش از منظر حقوق بین‌الملل (تاریخ دسترسی: ۶ بهمن ۱۳۹۹):

<http://css.ir/clyilq>

^۷ خبرگزاری مهر: امیرعبداللہیان؛ حمله موشکی به عین‌الاسد فقط انتقام ماشین حاج قاسم بود. کد خبر: ۴۹۸۳۸۴۸ (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۹/۱۱/۶)

بزرگ محروم کرد؛ دوماً (به زعم خود) جا پای خود را در منطقه مستحکم نمود؛ سوماً توانست راه حل مناسبی برای پیشگیری از شکست‌های مداوم اپوزیسیون ضد حکومت سوریه و فرزند ناخلف خود (داعش) ایجاد نماید؛ و چهارماً فشار بر روی حکومت رژیم اشغالگر قدس را برای مدتی به حداقل برساند. این کار با کمترین میزان تلفات (برای ارتش آمریکا) و کمترین میزان سرزنش و نکوهش بین‌المللی همراه بود. حتی اگر ایران اقداماتی بیشتر نیز انجام می‌داد، باز هم آمریکا سود بیشتری کرده است. بنابراین، هنوز شرط مماثلت در مقابل عمل آمریکایی‌ها برآورده نشده است.

سرلشکر سلامی، فرمانده کل سپاه در تاریخ ۱۲ دی ۱۳۹۹ در پاسخ به سوالی درباره تداوم مسیر انتقام سخت که در منطقه شروع شده و ادامه خواهد داشت، اظهار داشت: انتقام سخت نقطه نیست بلکه یک مسیر است. البته ما انتقام نقطه‌ای این سردار بزرگ و هم‌زمانش را از عاملان و آمران آن خواهیم گرفت که جدا از همه مسیری است که ما طی می‌کنیم. یعنی آنانی که در این شهادت‌ها دست داشتند، آرام نخواهند بود. اما زمان و مکان و کیفیت تابع شرایط خاصی است که به وجود خواهد آمد و ما آن شرایط را به اذن خدا به وجود خواهیم آورد.^۱

آنچه از گفته‌های سردار سلامی برمی‌آید، انتقام سختی که می‌تواند به مثابه مقابله به مثل با عملیات آمریکایی‌ها تلقی شود، اولاً بیرون راندن تمامی سربازان و عمال کشورهای غربی از منطقه خواهد بود، ثانیاً تحقق یافتن اهداف سردار سلیمانی و جمهوری اسلامی در راستای حذف اسرائیل از صحنه منطقه‌ای (توجه داشته باشید که صهیونیست‌ها می‌توانند در هر کجای دنیا کشور خود را بنا کنند، اما در سرزمین‌های اسلامی هرگز. زیرا حذف اسرائیل به معنای حذف فیزیکی افراد ساکن در آن نیست چراکه از نظر نگارندگان این امر مترادف با مقابله به مثل منفی خواهد بود که از آن نیز نهی شده است)؛ و ثالثاً مجازات آمران و عوامل حمله به کاروان شهید سلیمانی خواهد بود.

برای درک بهتر این موضوع، می‌توان به این سوالات پاسخ داد: آیا می‌توان به تلافی حمله و ترور سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس، ایران نیز اقدام به کشتن دو ژنرال آمریکایی کند؟ آیا اهداف ایران برآورده خواهد شد؟ آیا آن دو نفر نقشی در ترور شهید سلیمانی داشته‌اند؟ آیا پس از این عمل، آمران مجازات شده‌اند؟

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در ذیل آیات ۱۹۰ تا ۱۹۵ سوره بقره بیان کرده است که «حکم جنبه قصاص در جنگ و آدم‌کشی و خلاصه معامله به مثل دارد، نه جنگ ابتدایی و تهاجمی ... پس قتال در اسلام جنبه دفاع دارد، اسلام می‌خواهد به وسیله قتال با کفار از حق قانونی انسان‌ها دفاع کند، حقی که فطرت سلیم هر انسانی به بیانی که خواهد آمد آن را برای انسانیت قائل است، آری از آنجایی که قتال در اسلام دفاع است، و دفاع بالذات محدود به زمانی است که حوزه اسلام مورد هجوم کفار قرار گیرد، به خلاف جنگ که معنای واقعی تجاوز و خروج از حد و مرز است» (طباطبایی، ۱۳۹۶، ص ۸۸). این موارد مورد نظر جنبه روح مقابله به مثل است. پس از وقوع حمله به کاروان شهید سلیمانی و ترور ایشان و هیئت همراه، جمهوری اسلامی ایران هم توان و هم موقعیت حمله به سایر پایگاه‌های آمریکایی و نیز ناوها و هواپیماهای نظامی این کشور را داشته است (هرچند که مطابق آیه ۴۰ سوره شوری، مقدار مجازات نباید از میزان فعل ارتكابی شدیدتر باشد؛ که از آن به شرط تناسب در مقابله به مثل اطلاق می‌شود). ضمناً در این منطقه دست برتر را داشته و به دلایلی که مجال آنها در این مختصر نمی‌گنجد، از این اعمال نیز واهمه‌ای ندارد. بر همگان ثابت شده که نیروهای نظامی ایران در هنگامه جنگ، جان و مال خود را متعلق به خدا می‌دانند و بدون ترس در صحنه نبرد حاضر می‌شوند. اما آنچه سبب شده تا از اینگونه عملیات‌ها پرهیزند، به نظر نگارندگان، تنها رعایت شرط مقابله به مثل (در کنار خویش‌تنداری) بوده است.

^۱ خبرگزاری مهر: سرلشکر سلامی: انتقام نقطه‌ای ترور سردار سلیمانی را می‌گیریم/هشدار به تحرکات دشمن؛ کد خبر: ۵۱۰۹۹۵۳ (۱۲ دی ۱۳۹۹)؛ تاریخ دسترسی: ۶ بهمن ۱۳۹۹

از سوی دیگر، مقابله به مثل هیچ‌گاه مشمول گذر زمان نخواهد شد. در این زمینه نیز سرلشگر باقری بیان داشته که «انتقام شهید سردار سلیمانی تاریخ انقضا ندارد»^۹ که می‌تواند با نگاهی به این قاعده الهی باشد. بنا به گفته پادویو^{۱۰} (۲۰۱۸) در کتاب مجوزها و بهانه‌ها در قوانین بین‌المللی^{۱۱}، اقدام متقابل تنها در برابر یک اقدام متخلفانه امکان‌پذیر است، و با توجه به آنکه اقدام آمریکا در به شهادت رساندن سردار سلیمانی و همراهانش به صراحت نقض تعهدات بین‌المللی این کشور در برابر کشورهای ایران و عراق بوده است، این دو دولت می‌توانند به اقدام متقابل توسل جویند. مطابق ماده ۵۰ بند ۱-الف پیش‌نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، اقدام متقابل نمی‌تواند ناقض قاعده آمره منع توسل به زور باشد. بدین معنی که دولت‌ها نباید و نمی‌توانند به هنگام اقدام متقابل از زور نظامی استفاده کنند. همچنین اقدام متقابل باید با شدت اقدام متخلفانه پیشین تناسب داشته و برای واداشتن دولت متخلف به انجام تعهدات بین‌المللی خود و توقف نقض آنها ضرورت داشته باشد.

همچنین با در نظر گرفتن آیه «وَالْعَيْنُ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفُ بِالْأَنْفِ...» (مائده، ۴۵) که مطابق آن، بعضی جواز قصاص دست چپ به جای دست راست قائل شده‌اند، باید گفت که اقدام به مقابله به مثل با ژنرال‌های آمریکایی نیز خلاف قاعده شکلی مقابله به مثل است؛ زیرا هیچکدام از افسران ارشد آمریکایی هم‌تای سردار سلیمانی نیستند. در اینجا نباید به واژه ژنرال در مقابل سردار اکتفا نمود، زیرا مساله هم‌تا بودن فرد نیز مطرح است. در اینجا منظور از هم‌تا بودن، تاثیرگذاری و اثربخش بودن است و نه صرفاً عنوان شغلی. این مورد به کیفیت مقابله به مثل نیز اشاره دارد. مطابق ظاهر آیه «... فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» (اسراء، ۳۳)، که در مقام قصاص، کیفر دادن جانی به اندازه جنایت او که در کمیت و کیفیت آن اسراف نباشد، از حقوق مجنی علیه است و تحت سلطه شرعی او قرار دارد و جای اشکال نیست (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۹۵).

نتایج

آنچه در این مبحث مورد بررسی قرار گرفت، نه چگونگی اجرای مقابله به مثل در جریان شهادت سردار بزرگ شهید سلیمانی است، و نه لزوم اجرای این قاعده الهی. چگونگی اجرا بر عهده کسانی است که از عملکرد آنان اطمینان داریم. لزوم اجرای این امر نیز مطابق قاعده مقابله به مثل، حق ایران است. اگر به ادله قرآنی این قاعده و مصادیق آن توجه شود، ملاحظه می‌شود که در بسیاری از آنها در عین اینکه حق مقابله به مثل مورد توجه قرار گرفته است، نه تنها الزامی بر اجرای آن نیست، بلکه تاکید فراوانی به عفو شده است و قطعاً گذشت، زمانی معنا دارد که این قاعده حق باشد نه حکم. بنابراین قاعده مقابله به مثل و مصادیق آن از جمله قصاص حق است نه حکم، لذا ویژگی‌های حق از جمله قابلیت اسقاط و انتقال را دارد.

آنچه در این مبحث مورد بحث قرار گرفت، بررسی فقهی-حقوقی مقابله به مثل در واقعه شهادت سردار سلیمانی بود. از این نظر که می‌توان این رویداد و وقایع پس از آن را از دیدگاه‌های مختلف تعبیر کرد. بنابراین، و با دنظر گرفت کلیه موارد مطرح شده، نتایج ذیل را می‌توان برشمرد:

اولاً حمله موشکی ایران به پایگاه عین‌الاسد، تنها بیانگر قدرت ایران در مقابل قدرت‌نمایی آمریکایی‌ها بود.

دوماً انتقام خون سردار سلیمانی به جای خود باقیست. این انتقام مطابق قاعده مقابله به مثل مشمول زمان نخواهد شد.

سوماً پاسخ انتقام همراهان سردار شهید نیز بر گردن جنایتکاران این واقعه خواهد بود. این پاسخ در موعد مقتضی و به شیوه مقتضی داده خواهد شد.

^۹ خبرگزاری ایرنا: در پیامی به مناسبت سالروز شهادت سردار سلیمانی؛ سرلشگر باقری: انتقام سردار سلیمانی تاریخ انقضا ندارد کد خبر: ۸۴۱۶۸۳۵۴

^{۱۰} Paddeu

^{۱۱} Justification and Excuse in International Law

چهارماً مقابله به مثل باید به گونه‌ای باشد که علاوه بر موارد گفته شده، مماثل تغییر مسیر ناشی از شهادت سردار عزیز و زمان از دست رفته برای رسیدن به اهداف او باشد.

پنجماً در این مسیر ممکن است بعضی از سربازان و افسران آمریکایی یا دیگر کشورها نیز دارای درجاتی از تقصیر باشند که به جای خود در مورد آنان تصمیم لازم گرفته خواهد شد.

تاکنون قاعده مقابله به مثل در قوانین جزایی و مدنی مطرح بوده و به عنوان عاملی بازدارنده در چهارچوب مرزهای کشور اسلامی ایران مورد استفاده قرار می‌گرفته است. اما با رویکرد نگاه به ورای مرزها و تعیین عمق استراتژیک، نیاز است تا از قواعد اسلامی در مناسبات بین‌المللی استفاده بیشتری به عمل آید.

منابع

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعہ، تحقیق گروه پژوهش مؤسسه آل‌البیت (ع)، قم، مؤسسه آل‌البیت، چاپ نخست.

حویزی، عبدعلی ابن جمعه (۱۳۸۳ ق). تفسیر نور الثقلین، چاپ اول، بیروت: مطبعه العلمیه.

خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۵). ترجمه تحریرالوسیله؛ ج ۱، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

خویی، س.ا. (۱۴۱۲ ق). مصباح الفقاهه، قم: نشر داوری.

دزفولی، مرتضی (۱۴۱۰ ق). کتاب المکاسب (المحشی)، قم، موسسه مطبوعاتی دارالعلم.

رستمی، علی (۱۳۹۹). حکمرانی امنیتی در اندیشه سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی (امنیت بخشی در محور مقاومت)؛ مجله حکمرانی متعالی، شماره یکم، بهار ۱۳۹۹، صفحات ۴۹ تا ۶۲.

رشیدی، مهناز؛ مشهدی، علی (۱۳۹۹). مهمترین راهکارهای حقوقی جمهوری اسلامی ایران در واکنش به ترور سردار قاسم سلیمانی؛ فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹، صفحات: ۶۳ تا ۹۰.

رضائیان، زهرا (۱۳۹۹). نگاهی به ویژگی‌های سردار مکتب ساز، حاج قاسم سلیمانی؛ ره توشه، بهار ۱۳۹۹، شماره اول، صفحات: ۲۸۹-۲۷۷.

طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۹۶). ترجمه تفسیر المیزان؛ قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت (ع)

فخری، سیدمسعود؛ صحرائی‌اردکانی، محمد؛ (۱۳۹۹). اقدامات ایران در مقابله با شهادت سردار سلیمانی با تمرکز بر قاعده انتقام؛ پنجمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های دینی و اسلامی، حقوق، علوم تربیتی و روانشناسی، تهران. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق). بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، دوره ۱۱۰ جلدی.

نجفی، محمد حسن (۱۳۹۸). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، قم: نشر جامعه مدرسین قم. دوره ۴۳ جلدی.

نراقی، احمد (۱۴۱۵ ق). مستند الشیعہ؛ ج ۱، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).

Callamard, Agnes, (2020), Twitter, Available at: <https://twitter.com/agnescallamard/status/1212918159096864768?lang=en>, (2020).

Paddeu, Federica, (2018), Justification and Excuse in International Law: Concept and Theory of General Defences, Cambridge: Cambridge University Press.